

به نام پروردگاریکنا

**پیش‌درآمدی بر  
مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران**

از مجموعهٔ پروژه‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی»

سید محمدرضا امیری طهرانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

### پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران

مؤلف: سید محمدرضا امیری طهرانی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری و صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: امیری طهرانی‌زاده، سیدمحمدرضا، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران / سیدمحمدرضا امیری طهرانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۵۴ ص؛ ۲۱×۱۴ س.م.

شابک: 978-622-630469-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: علوم انسانی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Humanities -- Social aspects -- Iran

موضوع: علوم اجتماعی -- ایران

موضوع: Social sciences -- Iran

موضوع: مسائل اجتماعی -- ایران

موضوع: Social problems -- Iran

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: AZ۷۷۳

رده بندی دیویی: ۰۰۱/۳۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۴۰۷۷۵

## فهرست

۵	..... سخن پژوهشگاه
۱۱	..... پیشگفتار
۱۵	..... ۱. چالش‌های علوم انسانی و اجتماعی
۲۰	..... ۲. مشکلات عمده کشور
۲۹	..... ۳. چالش‌های علوم انسانی و اجتماعی از نگاه دانشگاهیان
۳۷	..... ۴. مسائل علوم انسانی و اجتماعی در اسناد بالادستی
۶۰	..... ۵. تأملی در رهیافت‌های تحقیق
۶۴	..... ۶. رهیافت‌های سه‌گانه به مسائل علوم انسانی
۶۹	..... ۷. نسبت رهیافت‌های سه‌گانه با پارادایم‌های علمی
۷۷	..... ۸. نسبت مسائل علوم انسانی با رهیافت‌ها
۸۲	..... ۹. علوم انسانی بومی
۸۸	..... ۱۰. پرسش‌های علوم انسانی در پرتو رهیافت‌ها
۹۴	..... ۱۱. بررسی و نقد پرسش‌های رهیافت کاربست
۱۰۳	..... ۱۲. بررسی و نقد پرسش‌های رهیافت تاریخ اقتباس
۱۱۲	..... ۱۳. بررسی و نقد پرسش‌های رهیافت مبانی
۱۲۱	..... ۱۴. دوگان‌های پژوهش
۱۴۳	..... ۱۵. نتیجه‌گیری
۱۴۹	..... منابع



## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

## سخن پژوهشگاه ۷

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانته علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی‌توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب



## سخن پژوهشگاه ۹

آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

### حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور



## پیشگفتار

طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور یکی از طرح‌های کلان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای اجرا به پژوهشگاه سپرده شد. انگیزه انجام دادن طرح اعتلای علوم انسانی نقد و تحلیل وضعیت علوم انسانی و اجتماعی در کشور و چالش‌های فراروی آن بود. بدین منظور کارگروهی در پژوهشگاه برای تهیه طرح‌نامه مربوط تشکیل شد. مأموریت اصلی این کارگروه تعریف مسائل طرح اعتلا بود. مسئولیت این کارگروه و همچنین هماهنگی کارگروه‌های سه‌گانه<sup>۱</sup> فاز صفر طرح اعتلا، که وظیفه تعریف موضوعات و برگ درخواست پیشنهاد (RFP)<sup>۲</sup> برای پروژه‌های طرح اعتلا را به عهده داشت، به دوش نگارنده بود.

در مرداد ۱۳۹۵، سرآغاز تعطیلات تابستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جناب آقای دکتر حسین‌علی قبادی، رئیس محترم پژوهشگاه، خواستار تشکیل کارگروهی برای طراحی پیشنهاد پژوهش درباره اعتلای علوم انسانی شد. اعضای این کارگروه که به‌طور میانگین ۶ یا ۷ نفر، شامل ۵ نفر ثابت و حداکثر ۲ نفر متغیر، بود. افراد ثابت علاوه بر من جناب آقایان دکتر عبدالرحمان حسینی‌فر، دکتر مهدی معین‌زاده، دکتر علی‌رضا ملایی توانی و مهندس حقیق‌شناس بودند.

---

۱. نام کارگروه‌های سه‌گانه چنین است؛ کاربست، تاریخ (اقتباس)، و مبانی.

2. Request For Proposal

همچنین به اقتضای دستور کارگروه برخی صاحب‌نظران و اعضای هیئت‌علمی به این جمع می‌پیوستند.

این کارگروه در آغاز بسیار سرگشته بود. کاری از او خواسته شده بود که برای کارفرما و حتی مسئولان پژوهشگاه به‌طور کامل روشن نبود. طراحی پژوهشی درخواست می‌شد که شرح وظایف نداشت و حتی عنوان آن قطعی نبود. ابتدا سخن از ارتقای علوم انسانی بود، اما برای پرهیز از تداخل مأموریت‌های این طرح با وظایف شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، سرانجام با الهام از اندیشه مرحوم دکتر آئینه‌وند عنوان اعتلای علوم انسانی بر آن نهاده شد. حال این وظیفه کارگروه بود که معنای اعتلا و حد و مرز آن را در این طرح تعریف کند. کارگروه در تعریف دامنه و گستره، مسائل و موضوعات، رهیافت‌های پژوهش و روش تحقیق این طرح، گاهی چندین جلسه را بدون هیچ‌گونه دستاورد چشم‌گیر به پایان می‌برد. اما پشتکار اعضای کارگروه در طول یک سال تلاش به سرانجام رسید. سرانجامی که شایسته بررسی و نقد است. بدین منظور، نگارنده که در طراحی این پژوهش سهمی اندک داشته است، از خود آغاز می‌کند.

با توجه به تجربه زیسته نگارنده در طراحی طرح اعتلا، پژوهشی با عنوان «مسائل و موضوعات پژوهشی طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» را به‌منظور ثبت این تجربه در پژوهشگاه علوم انسانی به انجام رساندم که دستاورد آن هم‌اکنون با عنوان «پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران» در اختیار شماست. این تحقیق در صدد است که نخست چارچوب و منطق صورت‌بندی مسائل و موضوعات طرح اعتلا را تعریف کند؛ و دوم بنابر این منطق، مسائل و موضوعات تعریف شده از سوی کارگروه‌های سه‌گانه را بنابر گزارش فاز صفر، نقد نماید.

پیش از آغاز بحث مایلیم چند مفهوم کلیدی در این کتاب را روشن کنم که تا جایی که می‌توانم از برداشت‌های نادرست پرهیز کنم. نخستین مفهوم «مسئله» است. هر موضوعی که از ربط اجتماعی (العطاس، ۱۹۹۵: ۱۲۵) نسبت به چالش‌ها و مشکلات انضمامی و یا مناقشه‌ها و مضامین گفتمانی جامعه ایرانی برخوردار باشد و همچنین در یک چارچوب نظری قابل تعریف باشد، در این کتاب مسئله تلقی می‌شود. مفهوم دوم «علوم انسانی و اجتماعی» است. با توجه به دیدگاه‌های متفاوت درباره قلمرو و همچنین رشته‌های متعلق به هر یک از دو مجموعه علوم انسانی و علوم اجتماعی که گاهی جدا و گاهی دارای هم‌پوشانی با یکدیگر تعریف می‌شوند، در این کتاب، مراد از علوم انسانی و اجتماعی هر علمی است که موضوع آن رفتار و یا کنش انسان است، اعم از اینکه فردی باشد یا اجتماعی. بنابر این تعریف، طرح اعتلای علوم انسانی و اجتماعی شامل این رشته‌هاست: حقوق، روان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی و مدیریت. برای کوتاه‌گویی در اشاره به این علوم در این کتاب ممکن است به اقتضای بحث تنها یکی از دو وصف انسانی یا اجتماعی به کار رود.

مفهوم سوم «اعتلای علوم انسانی» است که ناظر به وضعیتی از علوم انسانی و اجتماعی است که برپایه آن‌ها بتوان مسائل جامعه ایرانی را شناخت، صورت‌بندی کرد و به فهم و یا تبیین آن‌ها نایل آمد. یادآور می‌شود که شناخت، صورت‌بندی، فهم و یا تبیین، مستلزم برخورداری از چارچوب تحلیلی و نظری متناسب با شرایط مسئله مورد مطالعه است. و آخرین مفهوم «پیشرفت» است که ناظر به وضعیتی از جامعه است که علوم انسانی و اجتماعی اعتلایافته در خدمت اداره و سیاست‌گذاری کشور باشد.



## ۱. چالش‌های علوم انسانی و اجتماعی

از سپیده‌دم پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، انتظار و توقعی متفاوت از علوم انسانی و اجتماعی شکل گرفت. این انتظار متفاوت از علوم انسانی و اجتماعی از دو جهت بود؛ هم نسبت به سایر گروه‌های علمی همچون علوم پایه، علوم پزشکی و علوم فنی مهندسی بود و هم نسبت به نقشی و جایگاهی که پیش از پیروزی انقلاب داشت. انقلاب اسلامی در روزهای اوج‌گیری خود، همواره شعارهای استقلال‌طلبانه، عدالت‌جویانه و آزادی‌خواهانه سر داده بود. فاصله میان این شعارها تا واقعیت بسیار دور بود و تحقق این آرمان‌ها بدون همکاری دانشگاه و جامعه نخبگانی امکان‌پذیر نبود. جامعه نخبگانی کشور اعم از حوزویان و دانشگاهیان و مدیران در تحقق این آرمان‌ها مسئول شناخته می‌شدند. گرچه در این زمینه مسئولیت کمی متوجه حوزه‌های علمیه نبود، اما همواره مسئولیت دانشگاه‌ها در برآورده کردن این آرمان‌ها بیشتر مطالبه می‌شد. از این رو بود که امام خمینی (ره) از آغاز هم‌گامی دانشجویان و استادان با حرکت مردم، بر اهمیت نقش دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی و مدیریت کشور تأکید می‌کردند.

انقلاب اسلامی با توجه به آرمان‌هایی که دنبال می‌کرد، انقلابی فرهنگی بود. مردم در اعتراض به تبعیض، خفقان، وابستگی و فساد نظام پهلوی، آرمان‌های خود را فریاد کردند و به امید تحقق آن‌ها بپاخواستند. مردم با پیروزی انقلاب اسلامی و پشتیبانی از آن در سال‌های پس از

پیروزی، همه تلاش و توان خود را برای ادای سهم خود در تحقق آرمان‌ها صرف کردند. حال وظیفه جامعه نخبگانی به معنای عام آن شامل دانشگاهیان، حوزویان و مدیران جامعه بود که نقش خود را ایفا کنند. برای تحقق آرمان‌های مردم کشور در گام نخست به نظریه نیاز داشت. تحقق آرمان‌هایی بلند و ارجمند در جهان معاصر، که شرایط و اقتضائات ویژه خود را داشت، بدون برخورداری از یک نظریه امکان‌پذیر نبود. و ارائه نظریه‌ای درباره چستی و چگونگی تحقق استقلال، آزادی و عدالت جز از حوزویان و دانشگاهیان علوم انسانی و اجتماعی انتظار نمی‌رفت. انتظاری که از دانشگاهیان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی می‌رفت از آنچه تا پیروزی انقلاب اسلامی به آن اهتمام داشتند متفاوت بود. گرچه آرمان‌های استقلال، آزادی، عدالت، برابری و برادری در تاریخ انقلاب‌های بزرگ جهان نیز سابقه داشته است و مقوله‌هایی میان فرهنگی به‌شمار می‌روند، اما انقلاب اسلامی ایران از این آرمان‌ها خوانش ویژه خود را داشت. انقلاب اسلامی این آرمان‌ها را برپایه پیشینه فرهنگی و تمدنی ایرانی - اسلامی دنبال می‌کرد که با فرهنگ و مناسبات اجتماعی جامعه‌هایی همچون فرانسه و روسیه تزاری متفاوت بود. بنابراین استقلال، آزادی و عدالت در چارچوب مفهومی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی تعریف می‌شد و باید با توجه به لوازم و اقتضائات این چارچوب مفهومی تحقق می‌یافت. حال آنکه دانشگاهیان در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی با مفاهیم و نظریه‌هایی سروکار داشتند که ره‌آورد غرب بود. حال مسئله این بود که علوم انسانی و اجتماعی رایج در دانشگاه‌ها چه نسبتی با آرمان‌های انقلاب دارد و چگونه می‌تواند در خدمت آن‌ها قرارگیرد و در تحقق آن‌ها سهیم باشد.

نکته درخور توجه اینکه علی‌رغم تفاوت شگرفی که میان مفاهیم و مقولات آرمانی انقلاب و مفاهیم و نظریه‌های علوم انسانی و اجتماعی



وجود داشت، اکثریت دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها با آرمان‌های انقلاب هم‌گام و هم‌نوا بودند. این هم‌گامی و هم‌نوایی هم‌ریشه در باورهای دینی و فرهنگی و شور انقلابی آنان داشت و هم‌غفلت از اقتضائات و پیامدهای پافشاری برای تحقق این آرمان‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و فلسفه آن‌ها. پس از پیروزی و آغاز کار دولت جمهوری اسلامی ایران، این غفلت پیروزمندان به‌زودی به خودآگاهی تلخی تبدیل شد. اداره کشور نیاز به برنامه داشت؛ درحالی‌که از سوی برنامه‌های متداولی که از سوی کارشناسان توصیه می‌شد با برخی مفاهیم و مقولات اسلامی سازگار نبود، و از سوی دیگر — در برخی زمینه‌های بسیار جدی — برنامه جایگزینی برای آن‌ها در دست نبود. مسئله عمده فقدان نظریه‌ای از پیش‌اندیشیده بود.

در این شرایط، عمده مسئولیت متوجه استادان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌ها بود. از آنان توقع می‌شد که نظریه‌هایی برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های تازه جامعه بیندیشند و سیاست‌های متفاوتی برای تدبیر امور کشور توصیه کنند. چون دانشگاه‌ها به چنین نظریه‌هایی از پیش نیندیشیده بودند، به مدت دو سال زیر نام انقلاب فرهنگی فرصت یافتند که به کمک استادان حوزه‌های علمیه در این زمینه‌ها اندیشه و نظریه‌ورزی کنند. گرچه در همکاری‌های حوزه و دانشگاه، استادان باورمند به انقلاب اسلامی از هر دو نهاد سهم داشتند، اما در مخاطب واقع شدن، مطالبه پاسخ و مسئولیت‌خواهی در برابر مسائل جامعه، به‌منظور نظریه‌ورزی و تحول علوم انسانی و اجتماعی، سهم دانشگاهیان بیشتر بود.

گاه شمار انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که رخدادهای بزرگ و تعیین‌کننده انقلاب با مناسبت‌های دینی و حوزوی تقارن دارد و این حاکی از نقش هدایت‌کننده روحانیان در پیشبرد انقلاب است که پذیرش

رهبری قاطع و بی‌رقیب امام خمینی (ره) از سوی مردم برجسته‌ترین آن‌هاست. اما با وجود نقش تعیین‌کننده روحانیان در هدایت و پیروزی انقلاب اسلامی، به‌نظر می‌رسد سهم آنان در مسئولیت‌پذیری برای نظریه‌ورزی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ، دست‌کم تا سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمتر از دانشگاهیان بود. حوزه‌های علمیه به آن اندازه که در واژگون‌کردن نظام پهلوی سهم داشتند، در ساختن نظام جمهوری اسلامی ایران نقش ایفا نکردند. به عبارتی آنچه را که حوزه علمیه با معرفی آرمان‌های انقلاب اسلامی به آن حکم کرده بود، برهانش را از دانشگاه طلب می‌کرد. با توجه به چارچوب مفهومی آرمان‌های انقلاب اسلامی، مفهوم‌پردازی و نظریه‌ورزی در زمینه علوم انسانی و اجتماعی، جز با پذیرش مسئولیت خود در کامیابی‌ها و ناکامی‌ها از سوی حوزه‌های علمیه و مشارکت روزافزون در فرایند آن امکان نخواهد یافت.

فقدان نظریه‌های ازپیش‌اندیشیده برای تحقق آرمان‌های مردم در انقلاب اسلامی علوم انسانی و اجتماعی را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است. به این چالش‌ها می‌توان از سه دریچه نگریست؛ مردم، دانشگاهیان و مدیران. برای مطالعه چالش‌ها از این سه نگاه به سه نهاد که می‌تواند — دست‌کم تا حدودی — آن‌ها را نمایندگی کنند استناد می‌کنیم. برای بررسی چالش‌های فراروی علوم انسانی و اجتماعی از نگاه مردم به گزارشی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان *عمده‌ترین مسائل کشور (۱۳۹۵)* درباره عمده‌ترین مشکلات جامعه می‌پردازیم. برای بررسی چالش‌ها از نگاه دانشگاهیان به مجموعه مصاحبه‌هایی با عنوان *علوم انسانی و اجتماعی از نظر صاحب‌نظران* رجوع می‌کنیم. و برای مطالعه مسائل علوم انسانی و اجتماعی از نگاه مدیران به تحلیل محتوای اسناد بالادستی ذی‌ربط می‌پردازیم. بدین ترتیب

## چالش‌های علوم انسانی و اجتماعی ۱۹

ضمن آشنایی با چالش‌های علوم انسانی و اجتماعی از این سه نگاه، با توجه به رویکرد مسئله‌محور این پژوهش، از مصادیق انضمامی چالش‌ها که همان مشکلات گریبان‌گیر مردم است حرکت می‌کنیم و به وجوه انتزاعی‌تر آن‌ها با عنوان چالش‌ها و مسائل نزدیک می‌شویم. با مشکلات جامعه از نگاه مردم به روایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آغاز می‌کنیم که چالش‌هایی را در برابر علوم انسانی و اجتماعی می‌گشاید.

## ۲. مشکلات عمده کشور

هدف این پژوهش صورت‌بندی مسائل طرح اعتلای علوم انسانی است. برای شناسایی دقیق‌تر مسائل علوم انسانی و اجتماعی به مهم‌ترین مشکل‌های جامعه که به چالش‌های فراروی این علوم دامن می‌زند می‌پردازیم. بدین منظور با توجه به رویکرد مسئله‌محور طرح، دست‌کم شماری از مشکل‌های عمده کشور را برشماریم. مشکلات کشور همان دشواری‌هایی است که مردم با تمام وجود خود آن را لمس و حس می‌کنند. همان‌گونه که یاد شد، با توجه به جایگاه مجلس شورای اسلامی به‌عنوان سخنگوی ملت در امر رصدکردن مسائل و مشکلات کشور و تعیین اولویت‌های آن‌ها برای قانون‌گذاری، مناسب دیدیم که از گزارش معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان *عمده‌ترین مسائل کشور؛ اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی* در دوره دهم بهره‌برداری کنیم. عمده‌ترین مشکلات کشور را براساس این گزارش بازگو می‌کنیم.

### ۱.۲ محیط کسب‌وکار

نخستین مشکلی که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است، وضعیت محیط کسب‌وکار در کشور است. آخرین وضعیت ایران بنابر مهم‌ترین گزارش‌های بین‌المللی محیط کسب‌وکار چنین است؛ رتبه جهانی ایران در سهولت انجام کسب‌وکار بنابر گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ از میان ۱۸۹ کشور ۱۱۸ است و ایران دارای رتبه ۱۷ در میان